

## نظریه اسلامی و ساختار نظام بین الملل

دکتر منوچهر محمدی<sup>۱</sup>

مقداد قنبری مزیدی<sup>۲</sup>

سجاد محسنی<sup>۳</sup>

### چکیده

واپسین سال های اولین دهه از قرن بیست و یکم برای رشته ی روابط بین الملل زمان ورود مباحث مربوط به نظریه پردازی های غیر غربی به این رشته بوده است. با وجود آغاز این روند از سوی کشورهای جنوب شرق و جنوب آسیا، در ایران نیز در طی سه سال گذشته اقدامات قابل توجهی در زمینه نظریه پردازی بومی صورت گرفته است که با وجود عدم معرفی تلاش های صورت گرفته در ایران در جامعه بین المللی، با این حال می توان گفت برخی از این اقدامات بسیار غنی تر، علمی تر و جامع تر از تر های مشابه خود در زمینه نظریه پردازی غیر غربی بوده است. در این اثر نگارندگان بر آن بوده اند با تلفیق مباحث دو نظریه اسلامی و برخورد با سلطه، به نظریه ای کامل تر با توان بررسی ساختار نظام بین الملل دست یابند. در ادامه دیدگاه نظریه اسلامی ایرانی روابط بین الملل در ارتباط با ساختار نظام بین الملل، مدل چینش نیروها، بازیگران، و آینده تحولات جهانی ارائه شده است.

### واژگان کلیدی :

نظریه پردازی اسلامی ایرانی، نظریه برخورد با سلطه، ساختار نظام بین الملل

---

<sup>۱</sup> استاد علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

prof.mohammadi@yahoo.com

پست الکترونیکی :

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

Ghanbarimeghdad@yahoo.com

پست الکترونیکی :

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

mohseni.sajad66@gmail.com

مباحث مربوط به نظریه پردازی غیر غربی از جدیدترین مباحث روز روابط بین الملل است که اخیراً وارد این دیسپلین شده و در حال یافتن جایگاه خویش در میان تحولات غربی این رشته می باشد. رشته روابط بین الملل در طی ۹۰ سال از راه اندازی آن، تا کنون تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته است. روابط بین الملل به عنوان رشته ای نو در قرن بیستم سه مناظره ی بزرگ را پشت سر گذاشت اما به رغم برخی انتظارها، از این تحولات صورت گرفته، هیچ پارادایم مسلطی بیرون نیامد. علاوه بر آن، روابط بین الملل در طی قرن گذشته به رشته ای مملو از نظریه های متعارض تبدیل شد که هیچکدام قادر به ارائه تحلیلی کلان و صحیح از تحولات جهان نبودند. نظریه پردازان برای رفع نواقص نظریات خویش حتی به ترکیب نظریات رقیب و ایجاد نزدیکی میان آنها نیز دست زدند و تا جایی پیش رفتند که دیگر نمی شد تشخیص داد یک رویکرد جدید در کدام یک از دسته بندی نظریات کلان روابط بین الملل قرار می گیرد. با این حال آنچه در ابتدای قرن بیست و یکم محققان این عرصه تا حدودی بر آن توافق داشتند، شکست تئوریک روابط بین الملل بود. در حال حاضر می توان دو دیدگاه تقریباً متفاوت به آینده روابط بین الملل، مخصوصاً نسبت به تئوری های این رشته، در کنار سایر دیدگاه ها اشاره نمود. این دو دیدگاه در یکی از مهمترین میزگرد های مربوط به روابط بین الملل در کنار یکدیگر قرار گرفته اند. دیدگاه اول دیدگاهی بدبین به آینده تئوری روابط بین الملل است به گونه ای که عنوان این پنل سوال در مورد پایان نظریه روابط بین الملل قرار داده شده است و یکی از مهمترین سوالاتی که از اساتید برجسته ای که در این میزگرد حاضر شده اند پرسیده شده است این سوال است که آیا نظریه های روابط بین الملل با رکود مواجه شده است؟ با این حال تحول دوم معتقد به جا به جایی مرکز دیسپلین روابط بین الملل از غرب به شرق و جهان سوم می باشد.

در دهه اول این قرن برخی محققان با نقدهایی چون غربی بودن و جهانی نبودن تئوری های روابط بین الملل فضا را برای اندیشه ها و دیدگاه های غیر غربی باز نمودند. حال که تئوری های غربی روابط بین الملل به موفقیت چندانی دست نیافته بودند و تکثر و تعارض نظری نیز در این رشته به امری طبیعی و ذاتی این رشته تبدیل شده بود، چه اشکالی داشت دیدگاه هایی از سایر نقاط جهان نیز به این حوزه راه می یافت یا به تعبیر برخی محققان این رشته، صداهای غیر غربی و جهان سومی نیز شنیده می شد. این گونه بود که از اواسط دهه گذشته و مخصوصاً سال ۲۰۰۷، مقالات و آثار متعددی با موضوعاتی مرتبط با مباحث نظریه پردازی غیر غربی وارد رشته روابط بین الملل شدند که برخی محققان چون بوزان و آچارا آن را تحولات جدید این رشته نامیدند و حتی این انتظار را دارند که مناظره آتی روابط بین الملل میان نظریات غربی و غیر غربی روابط بین الملل صورت گیرد.

ایران در صورتی که می خواهد بر اساس اصول و مبانی اسلامی، سیاست خارجی خویش را در سیاست جهانی کنونی دنبال کند، طراحی نظریه ای اسلامی بسیار ضروری به نظر می رسد. مبارزه با سلطه طلبی و تجاوزگری در جهان، تلاش در توسعه عدالت جهانی، تلاش در جهت تغییر وضعیت ناعادلانه نظام بین الملل و بسیاری اهداف دیگر نیازمند داشتن دانشی منسجم و راهبردی است که سیاست های ایران اسلامی را در جهان هدایت کند.

در ایران نیز از سال های ۸۸ و ۸۹ روند تئوری پردازی بومی و اسلامی آغاز شد و یک بررسی آماری نشان می دهد سال ۹۰ ما شاهد ارائه بیشترین آثار و مقالات در این زمینه هستیم. در میان اقدامات انجام شده در ایران در زمینه نظریه پردازی بومی در روابط بین الملل، آنچه از نظر تئوریک مهمتر و جدی تر از همه بوده است، بحث های تئوریکی بود که توسط اساتیدی چون دکتر دهقانی تحت عنوان نظریه اسلامی روابط بین الملل مطرح شد. این مباحث تئوریک به اصولی ترین موضوعات یک نظریه جدید، چون مبانی فرانظری و نظری بنیادین آن پرداخته اند و می توان آنها را به عنوان چارچوبی از یک نظریه اسلامی در روابط بین الملل در نظر گرفت. با این حال هنوز این نظریه تا تبدیل شدن به یک نظریه ای کلان و جامع راه درازی را در پیش دارد. از مهمترین نکاتی که یک نظریه بایستی بدان بپردازد ارائه ی تحلیلی از ساختار نظام بین الملل، وضعیت تقسیم قدرت از نگاه این نظریه، بازیگران روابط بین الملل و پیش بینی برخی تحولات آتی است. نظریه اسلامی ذکر شده همانطو که گفته شد فعلا فقط به مباحث فرانظری و نظری بنیادین پرداخته است و به ساختار نظام بین الملل توجهی ننموده است. در کنار این نظریه، نظریه دیگری توسط دکتر محمدی تحت عنوان برخورد با سلطه مطرح شده است که این نظریه هم دارای پیش فرض های اسلامی است و هم تحلیلی از ساختار نظام بین الملل و تحولات جهانی از دیدگاه اسلامی ارائه نموده است. با این حال این نظریه را چون فقط نظام بین الملل را بررسی می کند نمی توان یک نظریه کلان نامید، بلکه مدلی اسلامی در ارتباط با تقسیمات قدرت در نظام بین الملل می باشد. با این توصیفات می توان گفت با ترکیب دو نظریه ذکر شده می توان نظریه ای کلان تحت عنوان نظریه اسلامی داشت که برای تحلیل مسائل جهانی و نیز برای آزمون خود نظریه، آن را به کار گرفت. بنابراین، هدف نگارندگان در این مقاله تلاش به منظور ترکیب دو نظریه اسلامی و برخورد با سلطه و رفع نواقص هر یک با استفاده از بخش های هم پوشان نظریه دیگر می باشد. بدین منظور در بخش اول، نظریه اسلامی روابط بین الملل به صورت خلاصه ارزیابی شده است و مبانی فرانظری آن مبنایی برای زیربنای نظریه برخورد با سلطه قرار گرفته است. در ادامه نظریه سلطه و ارتباط آن با اصول نظریه اسلامی بررسی شده و در نهایت نتیجه این کار تئوری ای اسلامی و جامع تر از هر دو نظریه خواهیم داشت.

## نظریه اسلامی ایرانی روابط بین الملل

### مبانی فرا نظری

#### هستی شناسی

هستی شناسی عمومی یا کلی به این موضوع اصلی می پردازد که جهان هستی از چه عناصر و اجزایی تشکیل شده است، چگونه بوجود آمده، آفریننده آن کیست و تعاملات میان اجزای آن چگونه است (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۶۸). هستی شناسی هر نظریه، نوع نگاه و برداشت آن نظریه از جهان و اجزاء و عوامل آن است؛ لذا از نگاه دیسلر هستی شناسی برای وجه تبیینی یک نظریه محدودیت ایجاد می کند (Dessler 1989: 445). در روابط بین الملل، هستی شناسی مفروضه های بنیادینی در مورد جوهره روابط بین الملل است. این مفروضه ها نشان می دهند در یک نظریه، چه باورهایی در مورد جهان روابط بین الملل وجود دارد (Griffiths 1992: 10). بنابراین در هستی شناسی روابط بین الملل، مسئله و سوال اساسی این است که آیا جهان اجتماعی\_ در اینجا روابط بین الملل\_ واقعی مستقل از شناخت نظریه پرداز در خارج از ذهن وجود دارد؟ از این رو موضوع اصلی هستی شناسی، بررسی سرشت واقعیت اجتماعی روابط بین الملل و اجزاء و عناصر تشکیل دهنده آن است (دهقانی، ۱۳۸۹ (ب): ۵۲). بنابراین اگر بخواهیم نظریه ای بر پایه مبانی اسلامی در روابط بین الملل تدوین نماییم، باید ابتدا از مبانی هستی شناسی عام اسلامی آغاز کنیم. از این روی، هستی شناسی نظریه اسلامی روابط بین الملل در چاقوب هستی شناسی عام اسلامی قرار می گیرد (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۶۸). در میان نظریه های روابط بین الملل، در حالی که نظریه های اثبات گرا به وجود واقعیت خارج از ذهن اعتقاد دارند، فرا اثبات گراها وجود واقعیت عینی روابط بین الملل خارج از ذهن و تعاملات اجتماعی که قابل کشف و تبیین باشد را انکار می کنند (مشیر زاده، ۱۳۸۴: ۸). در هستی شناسی نظریه اسلامی، جهان واقعی\_ از جمله پدیده های روابط بین المللی\_ مستقل از شناخت و معرفت ما از آن، در خارج از ذهن وجود دارد و واقعیت ها و حقایق\_ طبیعی و اجتماعی\_ صرفاً تصورات و پنداشت های ذهنی انسان نیستند (دهقانی، ۱۳۸۹ (ب): ۵۳). بنابراین جهان اجتماعی روابط بین الملل واقعی بوده و مستقل از شناخت و معرفت ما از آن، در خارج از ذهن وجود دارد. با این وصف، نظریه اسلامی روابط بین الملل به نظریه های اثبات گرا و واقعگرایی نزدیک می شود اما مهم ترین وجه اختلاف هستی شناسی نظریه اسلامی و واقع گرایی در این است که در نظریه اسلامی برخلاف واقع گرایی مادی، هستی و وجود (واقعیت) مساوی ماده و جهان فیزیکی نیست، بلکه متافیزیک نیز واقعیت دارد. از این رو، واقعیت ها و حقایق عالم وجود همگی عینی، محسوس و ملموس نیستند و بعضی از آنها نا محسوس، نا ملموس و مشاهده نا پذیرند (دهقانی، ۱۳۸۹ (ب): ۵۳). از نگاه نظریه اسلامی پدیده های بین المللی دارای معنا و ماهیتی ثابتند که قابل کشف و تبیین است. مهم ترین موضوع هستی شناسی اسلامی «خدا شناسی» است. چون هستی حقیقی و کامل ترین وجود، خداوند است که همه هستی و موجودات از او سر چشمه می گیرند و همه عالم آفریده اوست (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۷۱). پس از آن انسان در هستی شناسی اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. از نگاه نظریه اسلامی کارگزار و ساختار هردو اصالت دارند و هردو بر یکدیگر تاثیر می گذارند. از این رو، کارگزار در روابط بین الملل اعم از فرد و دولت، از

آزادی عمل در نظام بین الملل برخوردارند ولی در عین حال از آن تاثیری نمی پذیرند. ساختارها نیز صرفاً مادی نیستند. نظریه اسلامی روابط بین الملل بر ماهیت ستیزشی روابط بین الملل اعتقاد دارد. بر پایه ماهیت دوگانه انسان و جامعه مبتنی بر ستیز نیروهای خیر و شر و حق و باطل روابط بین الملل به عنوان عرصه تعامل جوامع مختلف انسانی با یکدیگر، مناقشه آمیز و ستیزشی است. زیرا روابط بین الملل صحنه تقابل و مبارزه جوامع حق و باطل با جوامع باطل و منحط است که نهایتاً به پیروزی جبهه حق بر باطل می انجامد. پس سیاست بین الملل مانند انواع دیگر سیاست، مبارزه و کشمکش برای تأمین عدالت و سعادت انسان و جامعه بشری است. هدف در روابط بین الملل کسب حد اکثر قدرت، امنیت و رفاه مادی صرف نیست بلکه غایت اصلی تأمین عدالت، سعادت و تعالی در راه رسیدن به حق تعالی است (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۶). حرکت جوامع بشری به سمت اصلاح و هدایت، واقعی و حقیقی و قابل کشف بودن ارزش های انسانی و اخلاقی، قاعده مند و قانون مند بودن روابط بین الملل و پدیده های بین المللی از ویژگی های دیگر هستی شناسی نظریه اسلامی روابط بین الملل است. علاوه بر این، بر اساس اصل توحید، جهان هستی یک کل واحد است که مبدأ و مقصد آن خداوند متعال است، به طوری که ارتباط و هماهنگی کلی بین اجزای تشکیل دهنده جهان وجود دارد که به سوی مقصد واحدی در حرکت است و در نهایت بر اساس اصل عدالت نظام خلقت نظام احسن است و در نتیجه در نظام بین الملل نیز باید استحقاق های ذاتی یا توافقی همه جوامع انسانی رعایت شده و قادر به شکوفایی استعداد های خود و رسیدن به کمال و سعادت باشد (دهقانی، ۱۳۸۹ (الف): ۱۲۹).

### انسان شناسی

تعیین قلمرو و سوگیری علوم انسانی و تحقیقات اجتماعی با پاره ای از مباحث انسان شناسی پیوند نا گسستنی دارند. برای مثال، اگر در انسان شناسی، روح مجرد انسان را یکسره منکر شویم یا پایان زندگانی این جهانی هر انسان را به معنای پایان یافتن و نیست شدن وی بدانیم، در بررسی پدیده های انسانی و تحقیقات اجتماعی، کلیه موضوعات معنوی، ماورایی و امور مربوط به جهان پس از مرگ انسان و تاثیر و اثر آن با زندگی این جهانی او نادیده گرفته می شود؛ همه پدیده های انسانی، تحلیل و تبیین صرفاً مادی می یابند و تحقیقات انسانی به سوی ابعاد مادی انسان سوگیری می کنند؛ اما اگر روح به منزله عنصر اصلی سازنده هویت انسان مطرح باشد، هم جهت تحقیقات به سوی ابعاد غیر مادی و عناصر ماورایی موثر در زندگی انسان و تاثیر و اثر روح و بدن خواهد بود و هم نوعی تبیین غیر مادی یا آمیخته ای از مادی و غیر مادی در علوم انسانی مطرح خواهد شد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۲۶). در روابط بین الملل نیز بدون توجه به اینکه چه روشی برای مطالعه پدیده های بین المللی انتخاب شود و حیطه مطالعه در چه حد باشد؛ بازیگران دولت ها، جنبش ها، سازمان های بین المللی و یا حتی افراد باشند؛ در نهایت ما به انسان هایی می رسیم که تشکیل دهنده و بازیگران عرصه روابط بین الملل و تصمیم گیرندگان اصلی آن هستند. لذا بررسی ها و مطالعات تمامی نظریه های روابط بین الملل، بستگی به نگرش آنها نسبت به چیستی و چگونگی انسان و سایر ویژگیهای آن دارد (ستوده، ۱۳۸۲: ۱۹۸). انسان شناسی نظریه اسلامی روابط بین الملل در چارچوب

انسان شناسی اسلامی قرار دارد. از نگاه اسلام، انسان موجودی است مرکب از دو بعد انسانی و حیوانی با فطرت الهی و غرایز حیوانی که در درون وی در حال ستیزند. اما فطرت و گرایشات فطری در انسان اصالت دارد، به گونه ای که انسان بر اساس اراده و اختیار خود می تواند بر غرایز حیوانی پیروز شود و به عنوان انسان کامل به مقام خلیفه الهی برسد (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۶). بنابراین انسان موجودی دو بعدی است؛ در صورتی که فطرت الهی و سرشت معنوی او رشد یابد به سمت حق طلبی، حقیقت جویی، عدالت خواهی، آزادی خواهی، ظلم ستیزی و نوع دوستی سوق می یابد (مطهری، ۱۳۷۰: ۵۲). اما نفس انسان در عین حال، از مرتبه پایین تری نسبت به فطرت، یعنی غریزه نیز برخوردار است که منشاء گرایشات و تمایلات حیوانی، چون ظلم، جور، خود خواهی، منفعت طلبی لجام گسیخته و بی عدالتی می باشد (دهقانی، ۱۳۸۹ (ب): ۵۹). داشتن فطرت الهی و غرایز حیوانی از یک سو و اختیار و آزادی عمل از سوی دیگر انسان را به موجودی تبدیل می کند که می تواند بین خلیفه خدا و موجودی پست تر از حیوان در نوسان باشد. لذا حرکت انسان به سوی هر یک از فطرت یا غریزه بستگی به شرایط فردی و اجتماعی دارد که انسان در آن قرار می گیرد (دهقانی، ۱۳۸۹ (ب): ۵۹). بنابراین ترکیب شدن سه ویژگی فطرت، غریزه و اختیار در انسان در شرایط مختلف فردی و اجتماعی، باعث می شود انسان و جوامع انسانی بین صلح و جنگ در نوسان باشند (قنبری، ۱۳۸۹ (الف): ۲۰). ویژگی های برتر انسان شناسی نظریه اسلامی وقتی قابل مشاهده است که آن را با نظریه های مسلط روابط بین الملل یعنی واقع گرایی و آرمان گرایی مقایسه نماییم. از سویی واقع گرایی معتقد است انسان ذاتا شرور و جنگ طلب است و نمی توان با اصلاح انسان به صلح دست یافت (Brown, 2009: 262- 268). از سوی دیگر آرمان گرایی معتقد است انسان ذاتا پاک و نیک سرشت، خیر خواه، نوع دوست و تعلیم پذیر است. از این رو انسان در محیط و ساختار اجتماعی نا بهنجار و غیر اخلاقی، از صفات ذاتی خود منحرف خواهد شد. برعکس، در صورت فراهم بودن محیط مناسب، انسان اخلاقی باقی خواهد ماند و نیز انسان قابل اصلاح و تغییر است (دهقانی، ۱۳۸۲: ۹۰-۹۱) (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۴). بنابراین بر اساس دیدگاه آرمان گراها رفتار بد انسان ناشی از ذات شریر او نیست، بلکه ترتیبات ساختاری و نهادی نادرست باعث انگیزه مردم در اعمال خود خواهانه و ضربه زدن به یکدیگر از جمله اقدام به جنگ می شود (ستوده، ۱۳۸۲: ۲۰۴). در حالی که رهیافت آرمان گرایی برخلاف واقع گرایی با برجسته نمودن بُعد انسانی، جنبه های حیوانی آن را به حاشیه می راند، واقع گرایی با نگاهی یکجانبه فقط به جنبه منفی و شر انسان توجه دارد (فیاض، ۱۳۸۶: ۱۳۵). اما نظریه اسلامی روابط بین الملل با نگاه دو بعدی ویژه خویش به انسان دیدگاهی بسیار کامل نسبت به انسان ارائه می نماید.

### معرفت شناسی

معرفت شناسی، فلسفه معرفت و دانش است که به توضیح امکان و چگونگی شناخت و معرفت انسان می پردازد. نظریه شناخت و معرفت این سوالات اساسی را مطرح می کند: آیا امکان شناخت برای انسان وجود

دارد؟ آیا بشر می تواند چیزی را با قاطعیت و اطمینان کامل بشناسد؟ انسان چه چیز هایی را می تواند بشناسد؟ و این شناخت چگونه حاصل می شود؟ چه رابطه ای بین عین و ذهن یا نظریه و عمل وجود دارد؟ ( دهقانی، مبانی، ۱۳۸۹ ب: ۶۷). ویژگی های معرفت شناختی نظریه اسلامی روابط بین الملل را می توانیم از معرفت شناسی اسلامی استخراج کنیم. شاید بتوان شناخت را به صورت ادراک حقایق اشیا، آنگونه که هست، تعریف کرد اما پرسش مهم تر، در مورد امکان شناخت و معرفت است. در چارچوب نظریه شناخت و معرفت شناسی اسلامی امکان شناخت برای انسان وجود دارد به گونه ای که انسان می تواند به حقیقت اشیا دست پیدا کند و یقین حاصل نماید. از نظر معرفت شناسی اسلامی، واقعیات موضوع شناخت هستند. به گونه ای که هیچیک از مراتب و انواع واقعیت از دایره معرفت و شناخت انسان خارج نیست و او می تواند نسبت به همه آنها آگاهی یابد. علیرغم اینکه رویکردهای مادی گرا، واقعیت ها را محدود به واقعیت های مادی عینی می کنند در نظریه شناخت شناسی اسلامی، واقعیت های غیر مادی نامحسوس نیز وجود دارد که متعلق شناخت قرار می گیرند. موضوعات شناخت در معرفت شناسی اسلامی، طبیعت، خود انسان (جنبه های مادی و معنوی، جوامع انسانی که موضوعاتی این دنیایی هستند و دسته ای دیگر از موضوعات معرفتی از آن جهان غیب و ماوراء طبیعت هستند که ماهیتی غیر مادی دارند. در رأس تمام این حقایق نیز وجود ذات اقدس الهی قرار دارد که شناخت او هدف غایی خلقت و انسان است. (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۸۱-۸۳).

در معرفت شناسی نظریه اسلامی روابط بین الملل، روابط بین الملل، خود یک موضوع مستقل شناخت است که از سایر معارف انسانی جدا نیست. به گونه ای که انسان با همان ابزارها و ساز و کارهای معرفتی که بر شناخت سایر ابعاد هستی و حیات اجتماعی می پردازد، می تواند به مطالعه روابط بین الملل و جامعه بین الملل پردازد و از ماهیت، عملکرد و کارکرد آن آگاهی یابد. (دهقانی، ۱۳۸۹ (ب): ۷۲-۷۱).

معرفت شناسی اسلامی تکثرگراست و به تعدد و تنوع معرفت و مراحل مختلف شناخت باور دارد. با توجه به منابع پنجگانه معرفت، یعنی طبیعت، تاریخ، عقل، قلب و وحی و ابزارهای مختلف شناخت، چهار نوع معرفت حسی، عقلی، شهودی و وحی امکان پذیر است (پورا احمدی، ۱۳۸۹: ۸۶-۸۵). بنابراین تکثرگرایی معرفت شناختی و تعدد و تنوع معرفت ها و تاکید بر وحی و شهود است که نظریه اسلامی روابط بین الملل را از سایر نظریه ها متمایز می سازد. در معرفت شناسی اسلامی آن شناخت و ادراک ذهنی حقیقت دارد که مطابق با واقعیت باشد. نظریه های اثبات گرا، هستی را برابر ماده می پندارند و ماوراء طبیعت و جهان غیب و ملکوت و آفریدگار هر دو عالم را انکار می کنند. زیرا، تنها چیزهایی که قابل تجربه کردن و آزمون پذیر می باشند وجود و هستی دارند و مفاهیم کلی و مثالی وجود واقعی ندارند. انسان مدار هستی است. تمام هستی بر محور انسان می چرخد. در حالیکه در نظریه اسلامی، هستی بسیار گسترده تر از عالم مادی است و شامل متافیزیک و جنبه های غیر مادی می شود که همگی آفریده خداوند متعال هستند. معرفت شناسی اسلامی، بر خلاف نظریه های اثبات گرایی، علوم تجربی و انسانی را یکسان نمی داند و در نتیجه روش علوم انسانی لزوما همان روش علوم طبیعی نیست و روش شناخت تنها به روش تجربی و حسی محدود و منحصر نمی شود. نظریه اسلامی روابط بین الملل، تکثرگرایی معرفتی و روشی است (پورا احمدی، ۱۳۸۹: ۹۸-۹۶). معرفت شناسی فرا اثبات گرا نیز در تعارض با معرفت شناسی

اسلامی قرار دارد، زیرا اولاً در معرفت‌شناسی اسلامی، امکان معرفت و شناخت عینی وجود دارد، گرچه همه معارف از این نوع نیستند، دوم اینکه معرفت‌شناسی اسلامی ملاک صدق یک قضیه را مطابقت با واقعیت می‌داند.

## روش‌شناسی

روش‌شناسی نیز مانند معرفت‌شناسی به چگونگی شناخت و معرفت‌انسانی می‌پردازد، اما ماهیت و سرشتی عملی و کاربردی دارد. روش‌شناسی به روش‌ها و شیوه‌هایی که انسان می‌تواند برای شناخت جهان، اعم از طبیعی و اجتماعی استفاده کند تأکید و تمرکز می‌کند. از این رو، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی نهایتاً به هم مرتبط می‌شوند. زیرا، معرفت‌شناسی به جنبه و بعد فلسفی چگونگی شناخت هستی و روش‌شناسی به عمل و پراتیک چگونگی شناخت آن می‌پردازد که ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. در نتیجه، تفکیک مباحث معرفت‌شناسی از روش‌شناسی اگر غیر ممکن نباشد، بسیار سخت و دشوار است. به همین دلیل معمولاً این دو مبحث با هم طرح و بررسی می‌شوند. اگرچه هر یک از حوزه‌ها و شاخه‌های علوم اسلامی مانند فقه، اخلاق، کلام، فلسفه و عرفان از روش‌های خاص خود بهره می‌گیرند، اما از آنجا که موضوع این بخش تبیین روش‌شناسی نظریه اسلامی روابط بین الملل است مجموع این روش‌های رایج و غالب در فقه سیاسی بیشتر مورد تأکید است. زیرا فقه سیاسی علمی است که متولی تنظیم و تدوین تعاملات و مناسبات جوامع اسلامی با یکدیگر و با جوامع غیرمسلمان و به طور کلی سیاست جهانی و روابط بین الملل است. اصول فقه را می‌توان علم روش‌شناسی فقه سیاسی تلقی کرد که از روش‌های تعریف شده‌ای برای استنباط احکام فقهی در حوزه روابط بین الملل از منابع چهارگانه کتاب، سنت، اجماع و عقل بهره می‌گیرد. مهم‌ترین ویژگی‌های روش‌شناختی فقه سیاسی عبارتند از نص و نقل‌گرایی، سنت‌گرایی و عقل‌گرایی (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۹۴-۸۸).

با وجود روش‌ها و رویکردهای مختلف در علوم و معارف اسلامی، امروزه با توجه به غلبه حکمت‌متعالیه در تفکر فلسفی شیعه، روش تلفیقی یا ترکیبی بر مطالعات اسلامی حاکم است. رویکردی که به امکان بکارگیری روش‌های عقلی، نقلی، شهودی و فلسفی در مطالعات اسلامی اعتقاد دارد. به گونه‌ای که این روش‌های متعدد و متفاوت در امتداد هم قرار دارند و انسان را به حقیقت و معرفت می‌رسانند. نظریه‌های فرا اثبات‌گرا نه تنها به وحدت علوم طبیعی و انسانی قائل نیستند، بلکه بکارگیری انحصاری روش‌های تجربی در حوزه علوم اجتماعی را مجاز و مفید نمی‌دانند. و فرا اثبات‌گرایان به جای روش تجربی و علمی محض، از تکثرگرایی روشی حمایت کرده و بر روش‌شناسی تفسیری و تأویلی تمرکز و تأکید می‌کنند. تکثرگرایی روشی و تفهیمی فرا اثبات‌گرایی، قرابت بیشتری با روش‌های علوم اسلامی دارد ولی کاملاً یکسان نیستند (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۴). در مقابل روش‌شناسی اثبات‌گرایی صرفاً بر روش تجربی تأکید دارد در حالی که روش‌شناسی نظریه اسلامی تکثرگراست. نظریه اسلامی ابزارهای شناخت را شامل ابزارهای تجربی، عقلی، شهودی و نقلی می‌داند. و چون گزاره‌های مورد آزمون نیز دارای ماهیت‌های متفاوتی هستند، تعارض بین داوری‌های متفاوت پیش نمی‌آید، ولی در صورت بروز تعارض در نتایج داوری‌ها در مورد یک موضوع، داوری عقل برتر است (دهقانی، ۱۳۸۹: الف: ۱۲۹).



## مبانی نظری

### ویژگی های نظریه اسلامی روابط بین الملل

با توسعه نظریه های اثبات گرا و پوزیتیویستی در روابط بین الملل، نظریه خوب و مناسب در این عرصه نظریه ای بود که فقط به تبیین و ارائه درک مناسب از مسائل می پرداخت و از ورود به مباحث هنجاری، ایدئولوژیک، ارزش محور و نیز از تجویز بایدها و نبایدها خود داری می کرد (قنبری، ۱۳۸۹ (الف): ۲۰). با گذشت زمان و روشن شدن ضعف های اینگونه رویکردها، نظریه های فرا اثبات گرا و انتقادی در نقد نظریه های پوزیتیویستی و اثبات گرا پا به عرصه گذاشتند. از نگاه رویکرد انتقادی هیچ نظریه ای بدون ارزش نیست. امروزه توجه به اخلاق و هنجارها در روابط بین الملل مورد توجه قرار گرفته است (اسمیت، ۱۳۸۹: ۲۱۷-۲۱۳). نظریه های فرا اثبات گرا، نظریه پردازی عاری از ارزش و بی طرف را نه ممکن و نه مفید می دانند. از نگاه این نظریه ها، هدف نظریه تنها تبیین وضع موجود نیست، بلکه علاوه بر آن نسبت به تغییر آن جهت استقرار نظم مطلوب نیز تعهد و مسئولیت دارد (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۶).

### نظریه اسلامی روابط بین الملل، نظریه ای تبیینی

نظریه اسلامی روابط بین الملل به این دلیل تبیینی است که به تبیین « هست » پدیده های بین المللی آنگونه که مشاهده می شوند می پردازد. البته تبیینی بودن نظریه اسلامی روابط بین الملل بر خلاف نظریه های تبیینی جریان اصلی، به معنای حفظ وضع موجود نیست، بلکه توضیح و تبیین وضع و نظم موجود می باشد. به ویژه کشف و تبیین قوانین عام و کلی حاکم بر روابط بین الملل به عنوان یک واقعیت اجتماعی یکی از اهداف و کارکردهای این نظریه است (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۴-۱۴۲). چون نظریه اسلامی جهان اجتماعی را مجموعه ای از واقعیت های خارج از ذهن می داند که نظریه ها می توانند آنها را کشف کرده و توضیح دهند قادر به تبیین پدیده هاست (دهقانی، ۱۳۸۹ (الف): ۱۳۲). نظریه اسلامی روابط بین الملل همچنان یک نظریه حل مشکل است، زیرا در پی شناسایی علل مشکلات و نارسایی های نظام بین الملل موجود و نظم مستقر است. مهمترین معضل و مشکل روابط و نظام بین الملل موجود، بی عدالتی به معنای نبود نظم عادلانه ناشی از انحراف و غفلت انسان ها و جوامع انسانی از فطرت و سنت الهی است. زیرا انسان و به تبع آن جامعه فطرتا میل به عدالت دارند. هدف نظریه اسلامی روابط بین الملل، بر خلاف نظریه های حل مشکل تبیینی، حفظ نظم و وضع موجود نیست، زیرا آشکار ساختن روابط قدرت و نظم نا عادلانه بین المللی، خشونت ساختاری و سپس الغای روابط سلطه و سرکوب ناشی از آن (استکبار) را یک تعهد اخلاقی می داند (دهقانی، ۱۳۸۹ (الف): ۱۳۲).

### نظریه اسلامی، نظریه ای انتقادی و هنجاری

دکتر منصور میر احمدی در مقاله خویش معتقد است نظریه اسلامی نظریه ای انتقادی است نه حل المسائلی (میر احمدی، ۱۳۸۹: ۲۶). هرچند ایشان بر ویژگی انتقادی بودن نظریه اسلامی روابط بین الملل تاکید می کنند، اما باید پذیرفت که نظریه اسلامی نظریه انتقادی صرف نیست و برخی تفاوت های اساسی با آن دارد. با این وجود نظریه اسلامی از آن جنبه که وضعیت موجود را نمی پذیرد انتقادی و از آن لحاظ که وضعیت مطلوب را تبیین می کند هنجاری است (میر احمدی، ۱۳۸۹: ۲۶). از دیدگاه نظریه هنجاری،

نظریه عبارت است از نگاه به جهان آن طور که باید باشد. همچنین گاه نظریه های روابط بین الملل به صورت نقد ایدئولوژیک حال برای ارائه بدیلی در آینده تعبیر می شوند (قوام، ۱۳۸۶: ۴). نظریه اسلامی روابط بین الملل از آنجا که به نظم، نظام و روابط بین الملل مطلوب قائل است هنجاری می باشد. به گونه ای که در چارچوب این نظریه، امکان شکل گیری یک جامعه اخلاقی جهانی واحد بر اساس ارزش ها، منافع و نهاد های مشترک بشری تحت حاکمیت واحد اسلامی وجود دارد. نظم بین المللی مطلوب اسلامی غیر سکولار، اخلاقی و عادلانه است که تعالی و سعادت کل بشریت را تامین می کند. ارزش های زیر بنای نظم و نظام بین الملل اسلامی نیز اعتباری و قرار دادی نیستند، بلکه از آنجا که از فطرت انسانی نشأت می گیرند، واقعی و قابل کشف و تبیین می باشند. بنابراین، موضوع مطالعه نظریه اسلامی روابط بین الملل، معیار داوری اخلاقی در سیاست جهانی و جستجوی اصول مشترک برای در بر گیری فراگیر انسان ها و باز سازی اجتماعی در رویه بین المللی است. هدف این نظریه، فراتر رفتن از درک و فهم روابط بین الملل به عنوان یک شیوه زندگی از طریق توضیح و تبیین دلایل تعهد و مسئولیت در رویه بین المللی است که نمی توان به منفعت شخصی (ملی) صرف نسبت داد. از این رو، نظریه اسلامی روابط بین الملل، مشروعیت مناسبات بین کشورها و روابط بین الملل و توجیه پذیری اخلاقی بنیاد ها و مبانی آن را مورد توجه و بررسی قرار می دهد. اما فراتر از این، این نظریه در صدد برقراری نظم بین المللی عادلانه از طریق ایجاد روح مسئولیت انسانی بیشتر بین انسان ها و جوامع انسانی است. این هدف مستلزم و متضمن تغییر و تحول کارگزار محور و مبتنی بر اراده و خواست انسانی در روابط بین الملل است. بر این اساس، نظریه اسلامی روابط بین الملل، الزاما انتقادی نیز می باشد. چون اولاً، تغییر وضع و نظم موجود بین المللی را امکان پذیر می داند. ثانیاً، فراتر رفتن از وضع و نظم مستقر بین المللی برای استقرار نظم مطلوب را ضروری می پندارد. از این رو، به نقد ایدئولوژیک وضع و نظم موجود بین المللی برای دستیابی به وضع و نظم مطلوب می پردازد. تامین این هدف نیز مستلزم تأمل در چرایی و چگونگی شرایط نامطلوب روابط و نظام بین الملل موجود است. تأمل و تعمق در ساختار های سلطه و سرکوبی که در اثر انحرافات و اشتباهات انسانی شکل گرفته و انسان ها و جوامع انسانی را دچار محدودیت ها و قید و بند های اجتماعی کرده است. از نظر نظریه اسلامی روابط بین الملل، مهمترین عامل وضعیت و شرایط موجود بین المللی، انحرافات انسان ها و جوامع انسانی از فطرت و سنت الهی و به تبع آن آموزه ها و موازین اسلامی به عنوان یک دین فطری می باشد. بنابراین برای تغییر و تحول وضع و نظم موجود بین المللی و رسیدن به وضع و نظم مطلوب باید به فطرت انسانی و سنت الهی بازگشت. بازگشت به فطرت انسانی و سنت الهی نیز مستلزم تحولات کارگزاری و ساختاری در سطوح داخلی و بین المللی است (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۴-۱۴۲).

### نظریه اسلامی، نظریه ای تجویزی

نظریه اسلامی روابط بین الملل از آن جهت که پدیده های بین المللی را آن طور که «باید» باشند مورد توجه قرار می دهد و چگونگی رسیدن به وضع مطلوب را توصیه می کند رویکردی تجویزی است. بنابراین تجویزی بودن نظریه اسلامی روابط بین الملل بدلیل این است که این نظریه در پی انطباق واقعیت ها بر ارزش ها و هنجارهای اخلاقی است و چگونگی رسیدن به وضع مطلوب بین المللی را تجویز و توجیه می

کند. افزون بر این، استدلال می کند که با پیروی از توصیه ها و تجویزات آن است که انسان به سعادت می رسد و صلح و امنیت بشری برقرار می شود (دهقانی، ۱۳۸۹ (الف): ۱۳۸). در واقع چون اسلام هدف اصلی روابط بین الملل را نه کسب قدرت که دستیابی به سعادت انسان می داند لذا برای رسیدن به این هدف معتقد است انسان باید از اصول و راه هایی که خداوند توسط دین برای او معین کرده است پیش برود.

### نظریه اسلامی، نظریه آرمان گرای واقعیت نگر

چندین سال است محققان بر سر آرمان گرایانه یا واقع گرایانه بودن سیاست خارجی ایران و اصول آن بحث ها و اظهار نظرهای متعدد و بعضا متناقضی داشته اند (برای توضیح بیشتر ر.ک ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۴-۹ و رضانی، ۱۳۸۶: ۷۲-۶۲). بسیاری از این بحث ها به اصول سیاست خارجی ایران که از مبانی اسلامی استخراجی منتج شده است باز می گردد (طاهایی، ۱۳۸۷: ۲۲۲-۲۱۵). بنابراین بحث اصلی این است که یک نظریه اسلامی روابط بین الملل آیا نظریه ای آرمان گراست یا واقع گرا؟ دکتر سیف زاده در کتاب ها و مقالات خویش از رویکرد اسلامی به رویکرد آرمان گرای واقعیت نگر یاد کرده است (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۱۱). بسیاری دیگر از محققان ایرانی نیز بر این نکته تاکید دارند که دیدگاه اسلامی نه واقع گرای محض و نه آرمان گرای کامل است (فیاض، ۱۳۸۶: ۱۳۷). نظریه اسلامی به رغم مشاهده و تبیین وضعیت موجود به همان صورت که هست، با نگاهی آرمان گرایانه خواستار تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب می باشد (قنبری، ۱۳۸۹ (الف): ۲۰). بنابراین این نظریه چون حالت تبیینی دارد و به دنبال تبیین واقعیت های نظام بین الملل آنگونه که وجود دارند است، یک نظریه واقع گرا است؛ اما چون به دنبال حفظ وضع موجود نیست از نظریه واقع گرایی فاصله گرفته و وضع و نظم مطلوبی را برای روابط بین الملل ترسیم می کند. و چگونگی رسیدن به وضع مطلوب را نیز توصیه می کند (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۶۸). علاوه بر این، نظریه اسلامی روابط بین الملل در مبانی فرانظری نیز نه واقع گرای صرف است و نه آرمان گرایی کامل. در انسان شناسی نه مانند واقع گرایی انسان را ذاتا شرور می داند و نه مانند آرمان گراها خیر و پاک.

### نظریه اسلامی و مفاهیم کلیدی روابط بین الملل

قدرت را می توان از جمله مهم ترین مفاهیم روابط بین الملل قلمداد کرد. به نحوی که مورگنتا سیاست بین الملل را به صورت کشمکش بر سر قدرت توصیف می کند (Morgenthau, 1967: 36) تقریبا تمامی نظریات روابط بین الملل فارغ از اینکه به قدرت به عنوان موضوع اصلی روابط بین الملل نگاه کرده باشند یا نه، حداقل این مفهوم را به عنوان یکی از مهمترین مفاهیم این عرصه قلمداد می کنند. مفهوم امنیت از دیگر مفاهیم بسیار مهم روابط بین الملل است. به طوری که واقع گرایان از جمله کنت والتز معتقد اند امنیت پیش شرط اصلی برای تمامی اهداف دیگر دولت هاست و در واقع امنیت دغدغه نهایی دولت هاست (Waltz, 1979: 91). جنگ و صلح نیز از جمله مفاهیم مهم روابط بین الملل به شمار می رود. به گونه ای که روابط بین الملل در اصل برای پاسخ به سوالاتی چون علل جنگ ها و راه های دستیابی به صلح شکل گرفت. مفاهیم جنگ و صلح به اندازه ای در روابط بین الملل اهمیت دارند که بسیاری، نظریه های روابط بین المللی را به نظریه های جنگ و نظریه های صلح تقسیم کرده اند (نقیب

زاده، ۱۳۷۳: ۱۵۲-۳۵). بنابراین، مفاهیم قدرت، امنیت، جنگ و صلح مفاهیم بسیار مهم و تاثیر گذاری در روابط بین الملل هستند و انتظار می رود هر نظریه ای که داعیه تبیینی کلان و کامل از روابط بین الملل دارد به این مفاهیم بپردازد. البته منظور این نیست که همه نظریات با پرداختن به این مفاهیم، مشابه یکدیگر عمل می کنند؛ زیرا اختلاف نظریات روابط بین الملل در تعریفی است که در مورد مفاهیم ذکر شده ارائه داده اند و همانطور که خواهیم دید نظریه اسلامی روابط بین الملل تعریفی کاملاً متمایز از سایر نظریات و خاص خویش از مفاهیم قدرت، امنیت، جنگ و صلح ارائه می دهد.

## قدرت

همانطور که قبلاً گفته شد، مفهوم قدرت یکی از مفاهیم بسیار مهم در روابط بین الملل است، چنان که مورگنتا در اهمیت مفهوم قدرت می گوید، همه سیاست ها تلاشی برای کسب قدرت است (Morgenthau, 1967: 36). با این وجود، با توجه به تنوع گسترده موارد کاربرد مفهوم قدرت، به نظر می رسد به تعداد نظریه ها، مفهوم قدرت وجود دارد (Tellis, 2000: 12). اسلام نیز به مفهوم قدرت اهمیت ویژه ای داده است (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). بنابراین در صورتی که بخواهیم نظریه های اسلامی در روابط بین الملل تدوین کنیم، یکی از مهم ترین مسائل، پرداختن به مفهوم امنیت از نگاه این نظریه می باشد. در صورتی که خواسته باشیم پیش از پرداختن به ویژگی ها و مولفه های مفهوم قدرت در نظریه اسلامی تعریفی مختصر از قدرت از نگاه اسلامی ارائه دهیم، می توانیم از تعریفی که عمید زنجانی از قدرت ارائه داده است استفاده کنیم: « مجموعه عواملی را که موجب می شود فرد یا گروهی، گروهی دیگر را به اطاعت وادار « قدرت » می گویند... » (زنجانی، ۱۳۸۸: ۳۴۸). در نگاه اسلام، منبع قدرت به طور مطلق خداست و همه قدرت ها در تمامی عرصه های آفرینش در دست خداست و هیچ حرکتی و هیچ پدیده ای در قلمرو هستی و در سراسر جهان جز به اراده خدا صورت نمی گیرد. بر اساس اعتقاد توحیدی جز خدا هیچ عامل موثری در جهان هستی وجود ندارد (زنجانی، ۱۳۸۸: ۳۴۸-۳۴۷). نظریه های گذشته روابط بین الملل انگیزه های کسب قدرت را ناشی از غریزه انسان می دانند. اما نظریه اسلامی علاوه بر غریزه و تمایلات غریزی و حیوانی انسان که می تواند به سمت قدرت مخرب حرکت کند، تمایلات ربانی را که منشأ آن فطرت انسان است نیز به عنوان محرک کسب قدرت تلقی می کند (کازمی، ۱۳۶۹: ۱۹). علاوه بر این در اسلام بر خلاف واقع گرایی، قدرت فساد ذاتی ندارد؛ بلکه امری خنثی است. در صورتی که قدرت در دست انسان دانشمند و عاقل باشد کمال است و وقتی در دست شخص فاسد باشد، فساد به بار خواهد آورد (فیاض، ۱۳۸۶: ۱۴۰). دکتر منصور میر احمدی در مقاله خویش با استدلال به آثار اندیشمندان اسلامی و به ویژه آثار فقهی، اصل « عقیده » را مهم ترین اصل بنیادین روابط بین الملل عنوان می کند. در صورت پذیرفتن اصل عقیده در نظریه اسلامی روابط بین الملل به عنوان اصل بنیادین، عقیده نقشی همانند قدرت را در نظریه های واقع گرایی روابط بین الملل خواهد داشت. اگر در واقع گرایی قدرت عامل هر گونه تقسیم و تعریف است، در نظریه اسلامی روابط بین الملل هرگونه تقسیمی از نظم و مناسباتی در حوزه روابط بین الملل بر پایه اصل عقیده شکل می گیرد (میر احمدی، ۱۳۸۹: ۲۲). علاوه بر این، از تمایزات مفهوم قدرت در نظریه اسلامی تاکید زیاد آن بر اعتقاد و ایمان به عنوان یکی از مؤلفه های قدرت است. برتراند راسل معتقد است: « اعتقاد بسیاری از مسلمانان به حقانیت راه آن ها یک عامل

قدرت عجیب و پیش برنده، هم در صدر اسلام و هم بعد از آن بوده است. او می گوید در زمان حیات پیامبر (اسلام) و تا چند سال پس از او، ایمان دینی، ملت عرب را متحد نگه می داشت و در جنگ به آنها قوت قلب می داد و... به آنها جسارت می بخشید». (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۵۹).

### محدودیت های قدرت

در نظریه اسلامی روابط بین الملل، محدودیت های قدرت شامل محدودیت های کسب قدرت و محدودیت های صرف قدرت می شود. اسلام با وارد کردن دین و اخلاق در حوزه قدرت، برای آن محدودیت ایجاد می کند. بنابراین در نظریه اسلامی روابط بین الملل قدرت مفهومی خنثی محسوب نمی شود، بلکه دارای بار اخلاقی است و از این جهت قدرت به دو دسته مشروع و نا مشروع تقسیم می شود. قدرت مشروع قدرتی است که در مسیر رضای خداوند قرار گیرد و قدرت نا مشروع قدرتی است که با اصول و معیار های دینی و اخلاقی مغایرت داشته باشد. بنابراین نظریه اسلامی روابط بین الملل با محدود کردن راه های کسب قدرت، آن را محدود می کند، در حالی که در دیدگاه غربی قدرت دنیایی، هدف والاست؛ بنابراین، هدف وسیله را توجیه می کند و برای کسب قدرت می توان از هر شیوه ای استفاده کرد (سیف زاده، ۱۳۸۴: ب): (۵۱۴). اما در اندیشه سیاسی اسلام، قدرت نشأت گرفته از استبداد، ظلم، تجاوز به حقوق فرد و جامعه، استکبار، استثمار، استضعاف، برتری جویی، توسل به تهدید و ارعاب و عواملی از این قبیل، مردود می باشد (زنجانی، ۱۳۸۸: ۳۵۳). علاوه بر این، نظریه اسلامی راه هایی که قدرت در آن مورد استفاده قرار می گیرد را نیز محدود می کند. از نگاه اسلام قدرت باید صرفا در راه های درست مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین در نظریه اسلامی روابط بین الملل نمی توان از قدرت برای تجاوزگری و ظلم به دیگران استفاده کرد، بلکه قدرت به منظور گسترش عدل و عدالت و تأمین سعادت انسان هاست (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

### قدرت وسیله ای برای دستیابی به اهداف

اندیشمندانی که به بحث قدرت پرداخته اند، معمولا به قدرت یا به عنوان وسیله ای برای دستیابی به اهداف نگاه کرده اند و یا به عنوان هدف نهایی تمامی فعالیت های انسان و دولت ها. از این میان، دیدگاه قدرت به عنوان هدف نهایی در میان واقع گرایان طرفداران بیشتری دارد و آرمان گرایان نیز بیشتر بر قدرت به عنوان وسیله ای برای دستیابی به اهداف تأکید دارند (فیاض، ۱۳۸۶: ۱۳۳). اما از نگاه اندیشمندان اسلامی قدرت هرچه اهمیت و آثار مهمی داشته باشد، نمی تواند به عنوان هدف اصلی و نهایی تلقی شود و ارزش آن ابزاری خواهد بود. بنابراین، در نظریه اسلامی روابط بین الملل، قدرت وسیله ای است که باید از آن در جهت تأمین اهداف مشروع، حاکمیت خدا و دین خدا و مبارزه با استکبار و ظلم و ستم و تجاوز بهره گیری شود. قدرت در نظریه اسلامی اگر در مسیر اهداف نام برده و امثال آن قرار نگیرد هیچ ارزش ذاتی نخواهد داشت (اسکندری، ۱۳۸۳: ۱۸۹).

### امنیت

امنیت نیز از مفاهیم بسیار مهم روابط بین الملل محسوب می شود. با وجودی که اسلام به مؤلفه ها و جنبه های مختلف امنیت توجه نموده است (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۲۴) هدف ما در این مقاله، تطبیق

نظریه اسلامی با سایر نظریه های بین الملل، به منظور نشان دادن توجه اسلام به جنبه های مختلف امنیت نیست. در این بخش ما فقط به جنبه های متمایز امنیت در نظریه اسلامی روابط بین الملل نسبت به سایر نظریه ها پرداخته ایم. نظریه های روابط بین الملل بدلیل مادی گرا بودن و عدم توجه به متافیزیک و دخالت ندادن دین و اخلاق در عرصه نظریه، امنیت را صرفا در حیات این دنیایی انسان جستجو و بررسی می کنند به طوری که با مرگ انسان، مفهوم امنیت نیز پایان خواهد یافت. این نظریات بدلیل تعریفی که از انسان دارند و صرفا به جنبه مادی آن توجه کرده و انسان دو بعدی شامل جسم و روح را نمی پذیرند و یا حد اقل حیات آن دنیایی انسان را انکار می کنند، همه چیز، در این دنیا برای آنها معنا می یابد؛ اما اسلام چون کامل ترین جهان بینی و مکتبی است که برای انسان آمده است و منشاء الهی دارد، به تمامی جوانب زندگی انسان توجه دارد. پس وقتی ما در بحث انسان شناسی به انسان دو بعدی متشکل از جسم و روح معتقد باشیم و برای انسان، زندگی در این دنیا و آخرت قائل شویم، مفهوم امنیت نیز گسترش یافته و هردو زندگی انسان را شامل خواهد شد. با این ویژگی که انسان در این دنیا دارای اختیار بوده و می تواند امنیت هردو دنیای خود را تامین کند. البته اسلام به امنیت انسان در آخرت بسیار بهای بیشتری داده است و انسان امنیت آخرت را با اعمال خویش در دنیای مادی باید تامین کند نه در آخرت. اسلام راه تامین امنیت آخرت را پرهیزگاری اعلام کرده است (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۹-۳۰). از نگاه اسلام، ایمان بالاترین درجه امنیت است. انسان مومن انسانی است که به بالاترین درجه امنیت روانی و معنوی رسیده است و چنین انسانی در بدترین شرایط نا امنی مادی خود را در امنیت می بیند. زیرا معتقد است بالاترین امنیت برای انسان پیروی از دستورات الهی و رضای خداوند است و امنیت آخرت از این دنیا بسیار با ارزش تر است و اینگونه است که انسان مؤمن به آسانی از جان خویش هم می گذرد. اسلام تعریف بسیار گسترده و ظریفی از مفهوم امنیت دارد به گونه ای که گناه پنهانی یک فرد از نظر اسلام امنیت روانی و معنوی او را به خطر می اندازد. اسلام امنیت روانی فردی را به سطح جامعه نیز تسری می دهد و معتقد است معصیت های آشکاری که حتی ممکن است آسیب مادی به جامعه نرزد امنیت روانی جامعه را مورد تهدید قرار می دهد (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۱۴). اسلام به امنیت فرد بسیار توجه داشته است؛ به گونه ای که ارزش جان یک فرد را مساوی ارزش جان همه انسان ها می داند، اما در مقابل اگر همین فرد با فساد در زمین امنیت کل جامعه را به خطر بیاندازد باید از بین برود. لذا اسلام نوعی توازن بین فرد و جامعه برقرار کرده است. اسلام در مقابل تعرض و تجاوز به اعتقادات دینی فرد و جامعه نیز بسیار حساس بوده و امنیت را صرفا امنیت مادی و جسمی تلقی نمی کند. به هر حال، بر اساس مبانی فرا نظری هستی شناسی و مخصوصا انسان شناسی، نظریه اسلامی روابط بین الملل را وضعیتی نا امن می داند که در آن همواره بین گروه های حق و باطل ستیز و واگرایی وجود دارد و امنیت کامل و همه جانبه در وضعیت بی نظم و ناعادلانه کنونی امکان پذیر نیست. لذا امنیت پایدار و کامل زمانی ممکن خواهد بود که حکومتی جهانی و عادل بر جهان حکم فرما شود.

### صلح، جنگ، صلح

بسیاری از محققان، نظریه های روابط بین الملل را بر اساس دو مفهوم جنگ و صلح به دو دسته نظریه های جنگ محور و نظریه های صلح محور تقسیم می کنند. نظریه های جنگ محور نظریه هایی هستند

که بر اصالت جنگ در عرصه روابط بین الملل اعتقاد دارند و نظریه های صلح محور نظریه هایی هستند که معتقدند جنگ انحرافی از جریان اصلی است و صلح روند اصلی روابط بین الملل می باشد (نقیب زاده، ۱۳۷۳: ۳۶-۳۵). نگارنده در این مقاله به دنبال ارائه دیدگاه متمایز نظریه اسلامی روابط بین الملل در مورد جنگ و صلح است. از دیدگاه اسلام تاریخ بشر سه روند صلح-جنگ-صلح را دارد. قرآن اشاره دارد که در ابتدا انسان ها به صورت امتی واحد بوده اند و بین آنان جنگ و نزاع و اختلافی وجود نداشته است (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۲۰). دلیل این وحدت و صلح پیروی انسان ها از فطرت و سرشت الهی خویش بوده است؛ اما با تعدی و طغیان انسان از فطرت پاک خویش و پیروی از غریزه های حیوانی، بین انسان ها اختلاف ایجاد شد و جنگ به عنوان یک مفهوم تازه وارد عرصه جوامع انسانی شد و این روند تا کنون ادامه داشته است. نظریه اسلامی به اصالت جنگ معتقد نیست و جنگ را به عنوان اصل مسلط بر روابط بین الملل پایدار نمی داند بلکه با بازگشت انسان ها به فطرت پاک خویش و تشکیل حکومت جهانی عادل توسط معصوم (ع) در آینده جنگ جای خود را به صلحی پایدار خواهد داد. نظریه اسلامی دلیل همراه بودن جنگ و صلح را ماهیت انسان می داند. ماهیت انسان ترکیبی از نیروهای خیر و شر است و با توجه به اینکه وی به تقویت کدام بُعد وجودی خویش بپردازد، روابط بین الملل مشحون از جنگ یا صلح خواهد بود (فیاض، ۱۳۸۶: ۱۲۷). از نگاه اسلام آینده جهان تا پیش از ظهور توأم با جنگ و نا آرامی است (ر.ک کورانی، ۱۳۸۷: ۴۰-۲۲۰؛ گل محمدی، ۱۳۸۲: ۳۹۴-۲۷۱). بنابراین نظریه اسلامی آن دسته از نظریات را که معتقدند جهان به سمت صلح پیش می رود رد می کند. البته این رویکرد نیز انتهای جهان را صلح پایدار (در حکومت عدل جهانی مهدی موعود(ع)) می داند؛ اما تا پیش از ظهور جهان رفته رفته به سمت نا آرامی و جنگ پیش می رود تا با ظهور مهدی موعود(ع) جنگ از میان رفته و صلح پایدار در جهان حکم فرما شود. بنابراین، از نگاه اسلام صلح وقتی حاصل می شود که ساختار عادلانه ای بر نظام جهانی حاکم شود. از این رو صلح واقعی تا ظهور امام زمان(ع) در جهان ایجاد نخواهد شد. از نظر اسلام آنچه باعث ایجاد صلح پایدار پس از ظهور می شود روی آوردن مردم جهان به حق با دعوت معصوم(ع) و ایجاد حکومت عدل جهانی که وضعیت آنارشیک نا عادلانه و ستیزه جویانه کنونی را از بین می برد می باشد. نظریه اسلامی روابط بین الملل قدرت نا محدود و نامشروع را نیز عامل جنگ و نا امنی در عرصه روابط بین الملل می داند. وقتی مفهوم قدرت در روابط بین الملل رئالیستی باشد، بدین گونه که قدرت هدف غایی تلقی شده و تمامی نزاع های بین المللی حول محور قدرت معرفی شود و از سوی دیگر مفهوم قدرت هیچگونه محدودیت اخلاقی نداشته باشد، آنگاه ما چیزی جز شرایط نا امنی و جنگ را نمی توانیم انتظار داشته باشیم. اما اگر با توجه به مفهوم قدرت در نظریه اسلامی روابط بین الملل قدرت را وسیله ای برای دستیابی به اهداف متعالی بشری بدانیم نه هدفی غایی و نیز آن را به اصول و هنجارهای اخلاقی، انسانی و دینی محدود کنیم، نتیجه آن با دنیای واقگرایان بسیار متفاوت خواهد بود. علاوه بر این اسلام معتقد است با پرورش فطرت و سرشت پاک انسان و دور کردن او از غریزه های حیوانی می توان جلوی جنگ و ستیز را در جهان گرفت. هدفی که همواره در طول تاریخ، انبیاء الهی به دنبال تحقق آن بوده اند (ر. ک مطهری، ۱۳۸۵: ۵۱-۳۱؛ مطهری، ۱۳۷۳: ۲۵۷-۲۳۷).

## نظریه برخورد با سلطه

### مدلی برای توضیح ساختار نظام بین الملل از دیدگاه نظریه اسلامی

نظریه برخورد با سلطه برای اولین بار توسط دکتر منوچهر محمدی در چند مقاله و کتاب ارائه شد. عنوان این نظریه ناخود آگاه نظریه ی برخورد تمدن های هانتینگتون را تداعی می نماید. با این حال این نظریه تفاوت های بسیار اساسی با برخورد تمدن ها داشته است که دکتر محمدی در مقالات گذشته بدان پرداخته است. شاید نزدیک ترین مشابهت این دو نظریه را اعتقاد هر دو نظریه به وجود نوعی برخورد در نظام بین الملل و همچنین تأکید هر دو بر نقش غرب و اسلام در این برخورد است.

نظریه برخورد با سلطه در واقع بخشی از نظریه کلان تر نظریه اسلامی ایرانی روابط بین الملل است که توضیح دهنده ویژگی های ساختاری نظام بین الملل، تقسیمات، چینش ها، بازیگران و توضیح دهنده ی چرایی تحولات نظام بین الملل می باشد و حتی فراتر از آن به دنبال ارائه ی توضیحاتی در مورد آینده ی این ساختار و پیش بینی روند های آینده است. در نظریه برخورد با سلطه دو تز به هم پیوسته وجود دارد با این تفاوت که یکی تاریخی و بدون محدودیت زمانی اما تز دیگری محدود به زمان حاضر، و توضیح دهنده ساختار کنونی نظام بین الملل می باشد.

### برخورد با سلطه، اصلی تاریخی

تز اول که اصل زیر بنایی این نظریه نیز هست، اصل برخورد با سلطه است. بر اساس نظریه اسلامی این اصل بدون هیچ محدودیتی به کل تاریخ بشریت تسری می یابد و در واقع می توان آن را دیالکتیک تاریخ تمدن بشری نامید. هیچ کجای تاریخ بشر خالی از این رابطه دو سویه نبوده است. نظریه اسلامی ریشه این دیالکتیک و تضاد را در ذات انسان می داند. همانطور که در بخش ابتدایی مقاله در زمینه انسان شناسی نظریه اسلامی آورده شد، انسان دارای فطرت الهی و غرایز حیوانی است و افزودن اختیار به این دو ویژگی انسان، گرایش های متضاد تاریخی او را در ایجاد این درگیری دوسویه توجیه می کند.

### مدل بلوک سلطه گر و سلطه ستیز

دومین تز نظریه برخورد با سلطه، ارائه ی مدلی از وضعیت کنونی نظام بین الملل، بازیگران، تقسیم بندی ها، سیاست ها، اهداف، توضیح علل رفتار دو بلوک و در نهایت ارائه ی دیدگاهی از وضعیت آینده نظام بین الملل می باشد.

### نظریه برخورد با سلطه و نظام تاریخی بشری

همانطور که در بخش قبل بدان اشاره شد، نظریه سلطه بدلیل محدودیت زمانی قائل نشدن برای اصل برخورد، به تمام تاریخ بشری تسری می یابد. لذا نمی توان این نظریه را به نظام بین الملل کنونی و جهان فعلی محدود ساخت. با این توضیحات این نظریه در مورد سیستمی فراتر از نظام بین الملل عصر وستفالی کاربرد خواهد داشت.

دیدگاه نظریه برخورد با سلطه در مورد تاریخ بشری پیش از نظام بین الملل مدرن را می توان به صورت گذاره های زیر ارائه داد:



الف: اصل برخورد میان دو جبهه ی فکری و عقیدتی سلطه گر و سلطه ستیز همواره بر کل تاریخ بشری حاکم بوده است.

ب: بدلیل ذاتی بودن این تضاد و عدم پیروزی تسلط کامل هیچکدام بر دیگری نوعی آنارشی تاریخی همواره بر تاریخ بشری حاکم بوده است.

ج: تداوم وجود دو جبهه متضاد و برخورد میان آنها در طول تاریخ، نوعی سیستم مشابه در کل تاریخ ایجاد کرده است.

بر خلاف سایر نظریه های روابط بین الملل که به دلیل توجه به دولت ملت مدرن به عنوان بازیگر اصلی نظام بین الملل، قادر به عبور از لایه های تاریخی و بررسی تحولات تاریخی بشری نیستند، نظریه اسلامی بدلیل اینکه واحد تحلیل و بازیگر اصلی را انسان و اجتماع های انسانی می داند، قادر به بررسی تمامی تحولات تاریخی سیستم بشری می باشد.

### **نظریه برخورد با سلطه و نظام بین الملل مدرن**

نظریه برخورد با سلطه، با سیستم داشتن نظام بین الملل معاصر مخالفتی ندارد، زیرا در دیدگاه این نظریه نیز کنش و واکنش های مختلف میان انسان ها چه به صورت انفرادی و چه به صورت اجتماعی در قالب جنبش های بدون ساختار منظم، سازمان ها یا دولت ها را که از نظمی خاص متأثر از ذات و اختیار انسانی پیروی می کند می توان سیستم نامید. همانطو که پیداست تعریفی که نظریه برخورد اسلامی از نظام بین الملل می دهد نمی تواند همانند دیدگاه رئالیست ها سیستمی با بازیگرانی دارای حاکمیت تحت عنوان دولت ملت تلقی شود. لذا منظور نظریه اسلامی از «بین الملل» بودن نظام بین الملل معنای واقعی آن است نه برداشتی که رئالیست ها از بین الملل به معنای بین الدول دارند. با این حال ملت از نگاه نظریه اسلامی کمی متفاوت از نگاه های اومانستی و ناسیونالیست تعریف می شود. ملت در تعریف نظریه اسلامی یعنی: «اجتماع های انسانی دارای عقاید و اندیشه های مشترک و نیز دارای درک مشابه از همدردی و احساس کمک به یکدیگر» خواه این جوامع دارای حاکمیت واحد و مستقل باشند یا نباشند، خواه این جوامع در یک کشور و دارای دولت واحد باشند یا نباشند». همانطور که پیداست مهمترن شاخص ملت در دیدگاه نظریه اسلامی عقیده و اندیشه ی مشترک می باشد. عقیده ی مشترک است که باعث تعلق خاطر انسان ها به یکدیگر، درک متقابل و احساس همدردی و کمک میان آنها می شود. پس از این توضیحات به ارائه دیدگاه و مدل نظریه برخورد از ساختار نظام بین الملل کنونی خواهیم پرداخت.

### **مدل دو قطبی ساختار نظام بین الملل**

بسیاری از نظریات روابط بین الملل دارای مدل هایی برای توضیح نظام تقسیم قدرت در نظام بین الملل بوده اند. اما مدلی که نظریه اسلامی اط نظام بین الملل ارائه می دهد در تمامی زمینه ها از جمله تعریفی که از بازیگران و حتی شاخص های تقسیم بندی دارد بسیار متفاوت از سایر مدل ها می باشد. محققان روابط بین الملل در بررسی سیر تاریخی نظام بین الملل چهار سیستم تاریخی را شناسایی کرده اند. ۱. نظام موازنه قوا که از زمان انعقاد قرارداد وستفاليا تا جنگ جهانی اول ادامه داشته است. ۲. نظام امنیت دسته جمعی که بین دو جنگ جهانی حاکم بوده است. ۳. نظام دو قطبی و جنگ سرد که از پایان جنگ جهانی

دوم تا فروپاشی شوروی ادامه داشته است. ۴. مقطع گذار. برخی معتقدند پس از فروپاشی شوروی نظام سلسله مراتبی حاکم شده است اما برخی نیز بر در حال گذار بودن این دوران تأکید دارند.

دوران گذار یک مرحله موقتی می باشد که طی آن یک نظام یا ساختار بین المللی از بین رفته و هنوز نظام و ساختار جدیدی جایگزین آن نگردیده است. در دوران گذار هر بازیگری سعی می کند نظام بین الملل را بر اساس تمایلات و خواسته های خود شکل دهد و به عبارت دیگر در این دوره نظام بین الملل تابع بازیگران اصلی در صحنه روابط بین الملل می باشد. علاوه بر آن نظریه پردازان و سیاست گذاران در این دوره تلاش می کنند نظام جدید مورد نظر خود را در قالب نظریه های جدید ارائه دهند. بنابراین چون در دوره گذار وضعیت باثباتی وجود ندارد، لذا هر کشوری سعی می کند ساختار نظام بین الملل را بر اساس خواسته های خود شکل دهد. با این توضیحات نظریه های جدید ساختار نظام بین الملل در واقع راهی برای ارائه نظر کشورها و افراد در مورد نظام جدید بین المللی است. (محمدی، ۱۳۹۰: ۶)

پایان جنگ سرد جامعه جهانی را با این سوال بسیار مهم و سرنوشت ساز مواجه ساخت که نظام آینده جهانی از چه نوع بوده و بر اساس چه معیارها و ضوابطی استوار خواهد بود؟ در چنین فضایی نظریات مختلفی چون نظم نوین جهانی، نظریه برخورد تمدن ها، نظریه پایان تاریخ و نظریه بی قطبی مطرح شدند.

### **نظریه بی قطبی**

تازه ترین تعریف از وضعیت تقسیم قدرت در ساختار نظام بین الملل را ریچارد هاس رئیس شورای روابط خارجی آمریکا ارائه داده است. بدین ترتیب که جهان بعد از یک دوره سلطه آمریکا وارد عصر «بی قطبی» گردیده است. هاس عنوان می کند که ویژگی های اصلی روابط بین الملل قرن بیست و یکم در حال حرکت به سوی جهان بی قطبی می باشد؛ جهانی که سلطه بر آن نه توسط یک یا دو یا حتی دولت های متعدد بلکه توسط دهها بازیگر که دارند و اعمال کننده انواع گوناگون قدرت می باشند تحقق می یابد. بر اساس این نظریه نظام بین الملل "بی قطب" شامل مراکز متعدد و فراوانی است که قدرت قابل توجهی دارند که نه تنها شامل قدرت های منطقه ای بلکه نهاد های غیر دولتی و چند ملیتی و حتی اشخاص می گردند. از دیدگاه هاس، ورود به این دوره بی قطبی برای ایالات متحده آمریکا آثار منفی فوق العاده ای خواهد داشت و تهدیدات جدی فراوانی را برای آمریکا بوجود خواهد آورد. یک جهان بی قطبی، دیپلماسی را پیچیده تر خواهد کرد، زیرا که چنین شرایطی نه تنها شامل درگیر شدن بازیگران بیشتری خواهد شد، بلکه فاقد ساختار و روابط مشخص و قابل پیش بینی، آنطور که جهان تک قطبی، دو قطبی و یا چند قطبی تعریف گردید، می باشد. بنظر می رسد که ریچارد هاس در این مقاله قصد ارائه نظریه منسجم و معینی نداشته و به تئوری پردازی هم نپرداخته است، بلکه تنها هشدار می دهد که دوران نظام های بر جای مانده از عهد وستفالیا به پایان رسیده است. در این جهان آنارشیستی و یا بی قطبی است که نظریه برخورد با سلطه به شرحی که خواهد آمد معنا و مفهوم پیدا می کند.

### **نظریه برخورد با سلطه**

#### **مبانی نظری**

۱. تضاد و کشمکش، جزء ذاتی نظام جهان است و از آن قابل انفکاک نیست. دلیل این مدعا به طبیعت و سرشت انسان باز می‌گردد که به گفته حکمای اسلامی، مرکب از عقل و نفس است، این دو قوه در انسان همواره در ستیز و تعارض با یکدیگر قرار دارند و دعوت‌های متضادی را پیش روی انسان می‌نهند. بر این اساس، همواره دو طریق خیر و شر در مقابل انسان قرار دارد که وی با تکیه بر اراده و اختیار خود می‌تواند یکی را بر دیگری ترجیح دهد. این هندسه درونی در انسان، هندسه بیرونی جهان را نیز شکل داده است که بر مبنای آن، در طول تاریخ، همواره صف بندی میان انسان‌های کمال یافته و گردن نهاده به احکام عقل فطری از یک سو، و انسان‌های غریزه مدار و اسیر نفسانیت از سوی دیگر، تکرار و تجربه شده است. این صف بندی در فربه‌ترین صورت خود؛ گستره جهانی یافته و نظام جهان را شکل داده که مشتمل بر دو ساحت است: ساحت اهل حق و ساحت اهل باطل. کشمکش‌ها و ستیزهای انبیاء الهی با مستکبران و زورمندان عصر خویش، در همین چارچوب، قابل فهم و تبیین است.

۲. در میان اقسام کشمکش‌ها و تضاد، تنها آن دسته از کشمکش‌ها و تضادها که از فطرت الهی انسان و گرایش متعالی و انسانی او بر می‌خیزد، سبب ساز تکامل جامعه جهانی می‌شوند و اسباب تعالی و سعادت را فراهم می‌سازند. از این رو، خیزش‌های انبیاء الهی بر ضد نظم‌های اجتماعی مستقر که نمایانگر سلطه ای مستکبرانه و طاغوتی بود، جزو مهمترین و برجسته‌ترین عوامل پیشرفت و تکامل انسان و جامعه و تاریخ به شمار می‌آید.

۳. در دوره معاصر و در میانه تعارض‌ها و تضاد‌های جهانی، تنها دینی که توانسته یک بسیج سیاسی گسترده و فراگیر را سامان داده و مقدمات طغیان بر ضد سلطه جویی‌های تمدن غرب را فراهم آورد، اسلام است. اسلام آئینی است که در بردارنده آموزه‌های برانگیزاننده و محرک است؛ آنچنان که ظلم و استکبار را بر نمی‌تابد و استثمار را نفی می‌کند و پیروان خود را به قیام و عصیان مداوم بر ضد هرگونه تحکم زیاده طلبانه و سلطه طاغوت گونه ترغیب می‌کند. اسلام خواهان مساوات و عدالت و برابری در گستره جهان است؛ یعنی مرز و حدی را مقرر نمی‌دارد و خود را به قلمرو خاصی محدود نمی‌کند.

۴. بر مبنای تعالیم و آموزه‌های متقن اسلامی، هندسه نهایی نظام جهان هندسه ای الهی و عادلانه خواهد بود. قرآن کریم تصریح می‌کند که در آینده جهان، حاکمیت از آن مستضعفان خواهد بود و مستکبران برای همیشه سرکوب و مضمحل خواهند گشت. در این نظم می‌سابقه، اگرچه نیروهای شر و شیطان صفت نیز حضور دارند، اما غلبه و هژمونی ندارند و نمی‌توانند نظم جهان را ماهیتی سکولاریستی و غیر الهی ببخشند. در رأس این نظم جهانی وعده داده شده، حکومت واحد جهانی قرار دارد که رهبری آن به دست امام موعود، حضرت مهدی (عج)، است.

۵. کتب آسمانی بویژه قرآن کریم که توسط انبیاء الهی بر بشریت نازل گردیده است، عموماً حول محور همین صف بندی به موعظه و نصیحت می‌پردازند و بندگان خدا را به انتخاب درست میان حق و باطل، خیر و شر، مظلوم و ظالم، مستضعف و مستکبر فراخوانده و در عین حال آنها را به برخورد و تقابل با جبهه کفر و استکبار که همانا دشمنان خدا و بشریت هستند، فرمان می‌دهد و بندگان صالح خود را از پذیرش سلطه و

ولایت آن از خدا بی خیران بر حذر می دارد. این صف بندی و منازعه و برخورد را دائمی دانسته و پایانی برای آن تا نهایت این دنیا قائل نمی باشد.

## شکل گیری دو قطبی نظریه برخورد

### نقطه آغازین

هریک از نظریات و مدل های تقسیم قدرت نظام بین الملل برای فرضیات خویش نقطه آغازی را قائل می شوند. همانطور که محققان قرارداد وستفاليا را نقطه آغازینی برای بسیاری از تز های خود از قبیل دولت ملت مدرن، سیستم توازن قوا، نظام بین الملل، و نیز پایان جنگ سرد نیز نقطه آغازین نظریه های نظم نوین جهانی یا پایان تاریخ بوده است، نظریه برخورد با سلطه نیز دارای نقطه های آغازین خویش است. نظریه برخورد با سلطه، انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران را به عنوان نقطه آغازین تحولات بلوکی و آغاز برخورد در قالب دو بلوک جدید یکی به رهبری ایران و دیگری به رهبری آمریکا و غرب می داند. البته این موضوع تناقضی با تاریخی بودن اصل برخورد ندارد. زیرا منظور از نقطه عطف ۱۹۷۹، نقطه آغاز شکل جدید و مدل جدیدی است که مربوط به نظام بین الملل قرن بیست و یکم می باشد. شکل بندی ساختار دو قطبی برخورد با سلطه از نگاه نظریه اسلامی خود در زمانی آغاز می شود که ساختار دو قطبی جنگ سرد بر جهان حاکم است. همین عامل باعث بی توجهی محققان به آن و دور ماندن این تحول ریشه ای در نظام بین الملل از دید نظریه پردازان میشود. پس از فروپاشی شوروی و دوران گذار پس از آن این شکل بندی با سرعت بیشتر ادامه می یابد و برخی چون هانتینگتون از منظر خود بدان تحت عنوان برخورد تمدن ها (برخورد اصلی میان تمدن های اسلامی و کنفوسیوسی و غرب) اشاره می نماید. اما شکل بندی دو قطبی برخورد با سلطه در سیستم بی قطبی حال حاضر است که نمایان می شود و تحولات سال ۲۰۱۱ در جهان را می توان نشانه های در حال شکل گیری بودن این سیستم دانست.

بازیگران

آرایش نیروها شکل بندی دو بلوک

اردوگاه سلطه گران

اردوگاه سلطه ستیزان

### نظریه اسلامی روابط بین الملل و آینده جهان

هرکدام از نظریه های روابط بین الملل بر اساس معیار های خویش و بر اساس اینکه چه مسئله ای را موضوع اصلی عرصه سیاست جهانی بدانند، آینده سیاست جهانی را بر اساس شاخص های خود تبیین می کنند. نظریه واقع گرایی بر اساس تاکید بر قدرت به عنوان مهمترین عامل و نیز تاکید بر تضاد منافع میان کشورها، آنارشی را اصل ثابت نظام بین الملل دانسته و بر وجود تعارض و جنگ در میان کشورها به عنوان یک مسئله عادی تاکید دارد. از نگاه این رویکرد از بین رفتن وضعیت آنارشیک در نظام بین الملل قابل تصور نیست و به دلیل دنبال کردن منافع ملی متضاد با یکدیگر توسط کشورها، همواره امکان جنگ وجود خواهد داشت (Macmillan, 2005: 29- 54). هانتینگتون در نظریه اش که به برخورد تمدن ها معروف

است معتقد است جهان به میدان رقابت سه تمدن تبدیل خواهد شد؛ تمدن اسلامی، تمدن غربی و تمدن کنفوسیوس؛ آن گاه این تمدن ها را از لحاظ قدرت، نفوذ و تحرک مورد ارزیابی قرار می دهد. پیش بینی او این است که بین تمدن اسلامی و کنفوسیوس در مقابل غرب، اتحادی به وجود می آید اما پیروزی تمام عیار با تمدن غربی است (کارگر، ۱۳۸۷: ۲۴).

در مقابل مارکسیست ها با اصل قرار دادن تضاد طبقاتی بر نبردی که ناشی از این تضاد بین پرولتاریا و سرمایه داری در می گیرد تاکید دارند. بزعم نظریه مارکسیستی این نبرد به ایجاد نظامی سوسیالیستی منتهی خواهد شد. شاید از لحاظ ظاهری آینده سیاست جهانی از نگاه مارکسیست ها به نگاه اسلام شبیه باشد، اما هرگز نمی توان آنها را یکسان پنداشت. در حقیقت انتظار برای رسیدن به یک مرحله خاص (جهانگیر شدن اسلام) نظریه اسلام را از نظر شکل به نظریه مارکسیست ها (رسیدن به مرحله عالی کمونیسم) شبیه ساخته است ولی در اساس با آن تفاوت دارد (نقیب زاده، ۱۳۷۳: ۱۵۸). لیبرالیسم از آنجا که یک ایدئولوژی جهان شمول است قائل به امکان و ضرورت شکل گیری یک جامعه جهانی و نهایتا حکومت جهانی است که فراتر از جامعه سیاسی دولت-ملت به عنوان تنها مرجع وفاداری فردی و جمعی می باشد. از این رو، به همگرایی بشری و انترناسیونالیسم باور دارد که مرزهای تمایز ساختگی و سیاسی بین افراد بشر را در می نوردد و حاکمیت ملی را به چالش می کشد. این اصل و فرض لیبرالی با جهان شمولی و جهان وطن گرایی اسلامی قرابت دارد. چون اسلام نیز برای واحد ملی دولت-ملت اصالت قائل نیست و آینده بشر را یک جامعه جهانی واحد می داند. اما جامعه جهانی اسلامی کاملا با جامعه جهانی لیبرال که بر پایه های لیبرالیسم سیاسی-اقتصادی استوار شده است متفاوت می باشد (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). اما در این میان، نظریه پایان تاریخ فوکویاما اختلافاتی اساسی با اندیشه اسلامی دارد. فوکویاما معتقد است هیچ مکتب و ایدئولوژی هایی توانایی رقابت با لیبرال دموکراسی غرب را ندارند و جهان آینده، جهان فراگیر شدن و سلطه لیبرال دموکراسی غرب خواهد بود (کارگر، ۱۳۸۷: ۱۱۸). علم و تجارب علمی، با تحلیل گذشته، به صورت احتمالی وضعیت آینده را پیش بینی می کند، لکن فراتر از همین احتمال کلی، پیش نمی رود و آینده از محدوده علم تجربی، سیاسی و تاریخی خارج است. منابع قرآنی و سنت (احادیث)، در تبیین مبانی و شرایط و حتی شکل، شیوه ها و ساختار آینده جهان و تاریخ و وضعیت نظام سیاسی، سیاست و دولت جهانی، به کمک عقل و تجربه می آیند و به صورت یقینی، دانسته های عقل را تفسیر و تفصیل داده و شکل و ساختار سیاسی آینده را تبیین و روشن می سازند و از آن خبر می دهند (کارگر، ۱۳۸۷: ۱۷). آینده پژوهی اسلامی بر خلاف سایر نظریه ها مبانی آن تکیه بر نصوص دینی (آیات، تفاسیر و روایات) و استفاده از منابع وحیانی است و از اتقان و ارزش ویژه های برخوردار است؛ اما سایر نظریات، بخصوص اثبات گراها بدلیل تاکید بر علم تجربی مادی قادر به آینده پژوهی دقیق و صحیح نیستند لذا می بینیم بسیاری از این نظریات به جز برخی پیش بینی های مبهم و کلی وارد این عرصه نشده اند. در نظریه اسلامی روابط بین الملل آینده جهان به دو مرحله تقسیم می شود؛ مرحله نخست یا پیشا ظهور و مرحله دوم یا پسا ظهور که با قیام مصلح جهانی آغاز می شود. تاکید این نظریه بر خوشبینی نسبت به آینده بشریت و نیز صلح پایدار و از بین رفتن جنگ ها مسلما مربوط به مرحله قبل از ظهور نخواهد بود. و این نظریه بر خلاف نظریه های لیبرال بر حرکت به سمت صلح و

کاهش نا امنی و جنگ تاکید ندارد بلکه بر اساس منابع اسلامی چون وحی، آیات و روایات، آینده مردم جهان به سمت نا امنی و بحران حرکت می کند و بر شدت آن افزوده می شود تا اینکه به مرحله ظهور رسیده و روندی معکوس را طی می کند (قنبری، ۱۳۸۹ (ب): ۲۳). پیروزی نهایی نیروهای حق و صلح و عدالت، اندیشه ای قرآنی است که با قاطعیت اعلام می دارد: پیروزی نهایی با دین حق و ایمان و غلبه قطعی صالحان و متقیان، کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران و آینده روشن و سعادت‌مندان بشر است. نقطه اوج و تعالی این حرکت با قیام و ظهور منجی موعود تحقق می یابد و او رهبری گروه حق را به دست می گیرد و با تمام توان، به جنگ نهایی با جبهه کفر و باطل می پردازد و در تحقق وعده های حتمی الهی، پیروز می شود و تاریخ به شکوه مندی و فرجام خود می رسد. قیام مهدی موعود (عج) آخرین حلقه از مجموعه حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان بر پا بوده است (کارگر، ۱۳۸۷: ۶۲). اسلام به جز حکومت عدل جهانی، سایر سیستم های نظام بین الملل را ناعادلانه و مخرب می داند و معتقد است فقط در حکومت جهانی که یک دولت اسلامی عادلانه بر آن حاکم است صلح پایدار ایجاد خواهد شد

از نگاه رویکرد اسلامی، انسان به دلیل داشتن غرایز حیوانی و هوای نفسانی، امکان دوری از فطرت و میل به شر در او وجود دارد. بنابراین همواره امکان جنگ و ستیز بین انسان ها را می توان متصور بود. اما به کمک وحی اینطور می توان نتیجه گرفت که در آینده جنگ و نا امنی در سطح جهان شدت خواهد گرفت. انواع نا امنی ها شامل جنگ و ستیز، قحطی و بیماری های مسری و نیز حوادث طبیعی چون سیل و زلزله که برای انسان آینده تهدیدی مهم به شمار می رود. همانطور که سایر رویکردها نیز رفته رفته به سمت اهمیت دادن به این عوامل تهدید پیش می روند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۹۲۷-۸۷۳). از نگاه رویکرد اسلامی سیستم آنارشیک سیاست جهانی ادامه خواهد یافت تا اینکه با ایجاد حکومت جهانی توسط حضرت مهدی موعود (ع) این وضعیت از بین برود. ایجاد حکومت جهانی اسلامی وضعیت سیاست جهانی از حالت آنارشیک به وضعیت یک حکومت واحد جهانی تغییر خواهد یافت. بر خلاف سایر رویکردهای واقع گرایی، آرمان گرایی یا مارکسیسم، نظریه اسلامی بر نقش دین در تحولات آینده سیاست جهانی تاکید دارد. به صورتی که بسیاری از جنگ های آینده را ناشی از تعارضات بین گروه های مختلف دینی قلمداد می کند (ر. ک کورانی، ۱۳۸۷: ۶۷-۳۹). بنابراین یک ویژگی بسیار متمایز نظریه اسلامی نسبت به سایر نظریه های روابط بین الملل داشتن یک سری پیش بینی های کلی و تغییر ناپذیر در مورد آینده سیاست جهانی می باشد. بدین صورت که نمی توان نظریه ای اسلامی را در روابط بین الملل تعریف کرد که بر ایجاد شدن حکومتی جهانی و از بین رفتن سیستم آنارشیک در آینده تاکید نداشته باشد. البته باز تاکید می شود که این پیش بینی ها در مورد مسائل کلی است و در سایر مسائل موجود ابهام مانع از بیان آنها می شود (قنبری، ۱۳۸۹ (الف): ۲۱).

## نتیجه گیری

امروزه نظریه پردازی غیر غربی در حال پیدا کردن جایگاه خویش در میان تئوری های روابط بین الملل می باشد. با وجود آنکه تلاش های صورت گرفته در ایران در زمینه نظریه پردازی روابط بین الملل برای جهانیان هنوز شناخته شده نیست، با این حال می توان گفت این روند از لحاظ تئوریک، بسیار منسجم تر و پیشرفته

تر از تلاش های کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا که نظریه پردازی غیر غربی را رونق بخشیدند، بوده است. در این مقاله تلاش شده بود تا با تلفیق دو نظریه اسلامی و برخورد با سلطه که اخیرا در ایران به عنوان نظریات بومی روابط بین الملل مطرح شده اند، نظریه ای کلان در ایران تحت عنوان نظریه اسلامی روابط بین الملل ارائه شود. در بخش نخست به مسائل فرانظری و نظری نظریه اسلامی مطرح شود. بخش دوم با اتکا به این مباحث، نظریه برخورد با سلطه را بررسی می نماید و در نهایت کل مطالب بر روی هم چارچوبی از یک نظریه کلان روابط بین الملل تحت عنوان نظریه اسلامی را تشکیل می دهند که قادر به تحلیل مسایل جهانی مخصوصا مسائل سیاست جهانی کنونی، نحوه بلوک بندی های فعلی، بازیگران، باید ها و نبایدها خواهد بود.

## منابع

- ستوده، محمد، ۱۳۸۲، ماهیت انسان و روابط بین الملل، فصلنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره ۲۲، تابستان.
- سلیمی، حسین، ۱۳۹۰، عدم تعارض، بنیاد نگرش اسلامی به روابط بین الملل، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره سوم، پاییز.
- شفیعی نوذر و حسین درجانی، ۱۳۹۰، رهیافت کاربردگرایی در مطالعات ایرانی روابط بین الملل، سال سوم، شماره سوم، پاییز.
- ابراهیمی، شهروز و دیگران، ۱۳۸۹، رویکرد اسلامی به روابط بین الملل در مقایسه با رویکردهای رئالیستی و لیبرالیستی، فصلنامه دانش سیاسی، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- ستوده آرانی، محمد و علیرضا دانشیار، ۱۳۸۸، آسیب شناسی روابط بین الملل از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۹، زمستان.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، اصول حاکم بر روابط بین الملل نظام اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال سیزدهم، شماره دوم، تابستان.
- ستوده آرانی، محمد، ۱۳۸۶، انقلاب اسلامی و نظریه پردازی در روابط بین الملل، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال ۱۱، شماره ۲، تابستان.
- حاجی یوسفی، امیر محمد، ۱۳۸۹، تدریس روابط بین الملل در ایران: چالش ها و چشم اندازهها، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره دوم، بهار.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۸۹، چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط بین الملل، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره دوم، بهار.

میر احمدی، منصور، ۱۳۸۹، درآمدی بر نظریه انتقادی روابط بین الملل در اسلام، مجموعه مقالات همایش اسلام و روابط بین الملل.

افتخاری، اصغر، ۱۳۸۹، درک روابط بین الملل؛ رویکرد قرآنی، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره چهارم، زمستان. سلطان‌ی، اسمعیل، ۱۳۸۸، روابط خارجی دولت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم جنگ یا صلح؟، مجله، معرفت، سال هجدهم، شماره ۱۴۳، آبان.

آجیلی، هادی، ۱۳۸۹، صورت بندی گفتمان اسلامی در روابط بین الملل، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۸۹، مبانی فرانظری نظریه اسلامی روابط بین الملل، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم، تابستان.

قنبری مزیدی، مقداد، ۱۳۸۹، طرح ریزی بنیان های نظری یک رویکرد اسلامی در روابط بین الملل، مجموعه مقالات اسلام و روابط بین الملل.

کشاورزی ولدانی، مرتضی، ۱۳۸۹، قلمرو روابط بین الملل در فقه سیاسی اسلام، مجموعه مقالات اسلام و روابط بین الملل

بهستانی، مجید، ۱۳۸۹، روابط بین الملل اسلامی: قانون یا نظریه، مجموعه مقالات اسلام و روابط بین الملل

مهدی زاده، اکبر، ۱۳۸۹، نگرش اسلام به مفاهیم روابط بین الملل، مجموعه مقالات اسلام و روابط بین الملل

باقری دولت‌آبادی، علی و محمد رضا سنگ سفیدی، ۱۳۸۹، چرا نظریه اسلامی روابط بین الملل نداریم، مجموعه مقالات اسلام و روابط بین الملل

دوست محمدی، احمد و دیگران، ۱۳۸۹، اصول روابط بین الملل در اسلام، مجموعه مقالات اسلام و روابط بین الملل

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۹۰، نظریه اسلامی سیاست خارجی: چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره اول، بهار.

فیاض، علی نقی، ۱۳۸۶، نقد و بررسی نظریه های روابط بین الملل از منظر امام خمینی و اندیشمندان غربی، طلوع، سال ششم، شماره ۲۳، پاییز.

تائب، سعید، ۱۳۸۴، وضعیت رشته روابط بین الملل، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره سی ام، تابستان

مشیر زاده، حمیرا و حیدر علی مسعودی، ۱۳۸۹، نظریه و پژوهش در روابط بین الملل در ایران: مطالعه موردی رساله های دکتری، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره دوم، بهار.



حاجی یوسفی، امیر محمد، ۱۳۸۵، آموزش درس اصول روابط بین الملل در دانشگاه های ایران: آسیب ها و راهکارها، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۵، پاییز.

ستوده، محمد، ۱۳۸۴، ارزیابی وضعیت رشته روابط بین الملل در ایران، فصلنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره سی ام، تابستان.

ستوده، محمد، روابط بین الملل از نگاه مقام معظم رهبری، مجله حصون، شماره دهم

برزنونی، محمد علی، ۱۳۸۴، اسلام؛ اصالت جنگ یا اصالت صلح؟، مجله حقوقی، شماره ۳۳،

جوان آراسته، حسین، امت و ملت نگاهی دوباره، حکومت اسلامی، سال پنجم، شماره دوم

اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۶، امنیت و ابعاد آن در قرآن، فصلنامه مطالعات اسلامی، بهار.

طاهایی، سید جواد، ۱۳۸۹، دین و روابط بین الملل؛ نگاهی انتقادی، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره چهارم، زمستان.

پور احمدی، حسین، ۱۳۹۰، عدالت در «فرانزیه اقتصاد سیاسی اسلامی»، همایش رویکرد ایرانی به دانش سیاست، خرداد

افتخاری، اصغر، ۱۳۸۳، مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت؛ گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره سوم، پاییز.

حاجی یوسفی، امیر محمد، ۱۳۸۸، نظریه ایرانی روابط بین الملل: موانع و راهکارها، ارائه شده در: سومین همایش انجمن علوم سیاسی ایران، اردیبهشت.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۸۹، مساله نظم جهانی در نظریه اسلامی روابط بین الملل، ارائه شده در همایش نظام بین الملل موجود و نظام بین الملل مطلوب، بهمن.

افتخاری، اصغر، ۱۳۹۰، تحول پارادایمیک نظام بین الملل: اصول گذار به نظام بین الملل مطلوب از دیدگاه اسلامی ایرانی، ارائه شده در همایش نظام بین الملل موجود و نظام بین الملل مطلوب، بهمن.

پور احمدی، حسین، ۱۳۸۹، اسلام و روابط بین الملل، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق

اکبری، محمد و زینب صدوقی، ۱۳۹۰، آینده پژوهی و نظریه پردازی اسلامی ایرانی، ارائه شده در همایش نظریه پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین الملل، پاییز.

بهستانی، مجید، ۱۳۹۰، بکارگیری شاهنامه در نظریه روابط بین الملل، ارائه شده در همایش نظریه پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین الملل، پاییز.

افتخاری، اصغر، ۱۳۸۹، بایسته های باز اندیشی در رشته روابط بین الملل، کتاب آموزش و پژوهش روابط بین الملل در ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

احمدی، حمید، ۱۳۸۹، بومی سازی روابط بین الملل در ایران، کتاب آموزش و پژوهش روابط بین الملل در ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

سیف زاده، سید حسین، ۱۳۹۰، روابط بین الملل در ایران، کتاب آموزش و پژوهش روابط بین الملل در ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

ابوکزله، محمد، ۱۳۹۰، بازنگری در نظریه روابط بین الملل در اسلام: به سوی یک رویکرد مناسب تر، ترجمه مقداد قنبری مزیدی، فصلنامه مطالعات اسلامی روابط بین الملل، سال اول، شماره اول، تابستان.

قنبری مزیدی، مقداد، ۱۳۹۰، نظریه اسلامی و مفاهیم کلیدی روابط بین الملل، فصلنامه مطالعات اسلامی روابط بین الملل، سال اول، شماره دوم، پاییز.

مشیر زاده، حمیرا، ۱۳۹۰، ایران و تجربه نظریه پردازی در رشته روابط بین الملل در کشورهای توسعه یافته، ارائه شده در همایش نظریه پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین الملل، پاییز.

محمدی، منوچهر، ۱۳۹۰، «برخورد با سلطه»؛ نظریه ای نوپدیده در حوزه روابط بین الملل، ارائه شده در همایش نظریه پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین الملل، پاییز.

گوهری مقدم، ابوذر، ۱۳۹۰، فقدان نظریه روابط بین الملل بومی: رویکردی آسیب شناسانه، ارائه شده در همایش نظریه پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین الملل، پاییز.

علیخانی، علی اکبر، ۱۳۹۰، قابلیت ها و فرصت های نظریه پردازی اسلامی ایرانی روابط بین الملل، ارائه شده در همایش نظریه پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین الملل، پاییز.

حاجی یوسفی، امیر محمد، ۱۳۹۰، تفکر انتقادی، ارتباطات علمی و نظریه پردازی: مطالعه موردی متون درسی روابط بین الملل در ایران، ارائه شده در همایش نظریه پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین الملل، پاییز.

افتخاری، اصغر، ۱۳۹۰، تحلیل زبان شناسانه نظریه اسلامی روابط بین الملل در قرآن کریم، ارائه شده در همایش نظریه پردازی اسلامی ایرانی در روابط بین الملل، پاییز.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، فقه روابط بین الملل، تهران، انتشارات\*\*\*

مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۹۰، تحولات جدید نظری در روابط بین الملل: زمینه مناسب برای نظریه پردازی بومی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره دوم، بهار.

دوست محمدی، احمد و دیگران، ۱۳۹۰، تحلیلی بر تولیدات علمی کشورهای جهان در حوزه روابط بین الملل، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره دوم، بهار.

پور احمدی، حسین، ۱۳۹۰، مبانی و اصول حاکم بر فرانظریه اقتصاد سیاسی اسلامی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره دوم، بهار.

جمالی، حسین، ۱۳۹۰، بومی گرایی در علوم سیاسی؛ کدام جهت گیری؟، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره دوم، بهار.

سیف زاده، حسین، ۱۳۸۴، سیاست خارجی، انتشارات

سیف زاده، حسین، ۱۳۸۴، اصول روابط بین الملل

سیف زاده، حسین، ۱۳۸۶، روابط بین الملل فردی جهانی شده

سیف زاده، حسین، ۱۳۸۷، روابط بین الملل میان رشته ای، بن فکنی رندانه و استراتژی جهان وطن گرایی میهنی، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال پنجم، شماره ۳، زمستان

Tickner, Arlene B. 2008, Latin American IR and the Primacy of lo pra'ctico, International Studies Review, No. 10

Shani, Giorgio, 2008, Toward a Post-Western IR: The Umma, Khalsa Panth, and Critical International Relations Theory, No. 10

BILGIN, PINAR, 2008, Thinking past 'Western' IR?, Third World Quarterly, Vol. 29, No. 1

Acharya, Amitav, and Barry Buzan, 2007, Why is there no non-Western international relations theory? An introduction, International Relations of the Asia-Pacific, Vol. 7 No. 3

SHAKMAN HURD, ELIZABETH, 2004, The Political Authority of Secularism in International Relations, European Journal of International Relations, Vol. 10(2)

Yaqing, Qin, 2009, Development of International Relations Theory in China, International Studies, 46, 1&2

Mallavarapu, Siddharth, 2009, Development of International Relations Theory in India: Traditions, Contemporary Perspectives and Trajectories, *International Studies*, 46, 1&2

Mattoo, Amitabh, 2009, The State of International Studies in India, *International Studies*, 46, 1&2

Sandal, Nukhet A., Patrick James, 2011, Religion and International Relations theory, *European Journal of International Relations*, No. 17, Vol. 1

Acharya, Amitav, 2011, Dialogue and Discovery: In Search of International Relations Theories Beyond the West, *Millennium: Journal of International Studies*, No. 39, Vol. 3

Mesbahi, Mohiaddin, (2009), IR Scholars and International Systems: Learning and Socialization, *International Political Sociology*, No. 3

Luoma-aho, Mika, (2009), Political Theology, Anthropomorphism, and Personhood of the State: The Religion of IR, *International Political Sociology*, No. 3

Homeira Moshirzadeh, (2009), 'A "Hegemonic Discipline" in an "Anti-Hegemonic" Country', *International Political Sociology* 3, no. 3:

Mahmood Sariolghalam, 2009 "Accomplishments and Limitations in IR" in Arlene B. Tickner and Ole Wæver (eds.), *International Relations Scholarship around the World*, London and New York: Routledge, , pp. 158-171.

Haji-Yousefi, Amir, "Is There an Iranian Perspective on International Relations?" Presented at the Annual Conference of the Canadian Political Science Association, May 27-29, 2009, Ottawa, Canada: Carleton University.

Abusulayman, AbdulHamid, ( 1987), the Islamic Theory of international relations, new directions for Islamic methodology & thought, newdelhi. ( 1992), towards and Islamic theory of international relations: new directions for methodology and thought, islamzation of knowledge deries: no 1, international institute of Islamic thought.

John Turner, 2009, Islam as a Theory of International Relations?, Article downloaded from the e-IR Website

Labeeb Ahmed Bsoul, 2007, Theory of International Relations in Islam, *Digest of Middle East Studies*, Fall.

Nezam Mafi, Rezaghol, ۱۹۷۷Islam and modern international relations: The contribution and influence of Shia,